



فصل نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

شماره سی و هفتم - پاییز ۱۳۹۷ - از صفحه ۸ تا ۲۲

واکاوی تمثیل در غزل معاصر ایران با تکیه بر فاضل نظری

اسماعیل عبدی مکوند^{۱*}، شقایق ماهی زاده^۲، زهرا محسنی موسوی^۳

۱. آموزشکده فنی و حرفه‌ای سما، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور اهواز، اهواز، ایران

چکیده

تمثیل، علاوه بر شیوه بیان یکی از روش‌های تحلیل اثر ادبی است. فاضل نظری با به کارگیری تمثیل تلاش نموده است که غزلیات را از شعبده‌بازی‌ها که باعث دوری شعر از حقیقت شده، دور نگه دارد. در تمثیل‌های فاضل نظری روح دیانت و ایمان به صورتی لطیف جلوه‌گر است چنانچه این شاعر ارزش‌ها و مفاهیم بنیادینی را که از رهگذر انقلاب در عرصه فرهنگ و زندگی اجتماعی تبلور یافته است، در قالب و با زبان و بیانی متناسب با ذوق و قریحه شعر و ادب امروزی بیان داشته است. شیوه این مقاله بر اساس تحلیل محتوا و توصیف منطقی و عقلی با استفاده از متون مستند در زمینه نقد ادبی و به صورت کتابخانه‌ای انجام شده است.

واژگان کلیدی: غزل معاصر، تمثیل، فاضل نظری.

تاریخ دریافت: ۹۷/۳/۷ تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۱۱

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: Abdimakvand@yahoo.com

من کجا و جرأت بوسیدن لب‌های تو
آبرویم را خریدی عاقبت با تهمتی
فاضل نظری

۱. مقدمه

تمثیل در همه انواع ادبی به کار می‌رود. تمثیل، علاوه بر شیوه بیان یکی از روش‌های تحلیل اثر ادبی است. در تحلیل تمثیلی، پژوهش‌گر و خواننده از راه درک همانندی‌ها و مقایسه مفاهیم، اثری را با شیوه تمثیلی تحلیل می‌کند.

تمثیل، در فن بیان فارسی، یکی از انواع تشبیه است و آن تشبیهی است که وجه شبه در آن جنبه ترکیبی داشته باشد. بلاغیون به آن تشبیه تمثیل و تشبیه مرکب می‌گویند. باید توجه داشت که هر تشبیه تمثیلی، مرکب است اما هر تشبیه مرکبی، تمثیل نیست.

نماز شامگاهی گشت صافی ز روی آسمان ابر معکن
چو بردارد ز پیش روی اوئان حجاب ماردی دست برهمن

(منوچهری، ۱۳۳۸: ۶۴)

شاعر آشکار شدن ستارگان را از پشت ابر بیان می‌دارد، به این صورت که ابرها از آسمان کنار می‌روند و ستارگان در آسمان پیدا می‌شوند، مثل این که دست برهمن پرده‌ای سرخ‌رنگ را از برابر بتان زرین و سیمین به یک‌باره به کنار می‌زند.

دوش برون شد ز دلو یوسف زرین نقاب

کرد بر آهنگ صبح جای به جای انقلاب

(خاقانی، ۱۳۸۸: ۴۷)

بیرون شدن خورشید از برج دلو با اشعه‌های زرین مانند سربازی است که برای فتح سرزمین صبح چندین جا دست به شورش زده است.

اگر ز خون دلم بوی مشک می‌آید عجب مدار که هم‌درد نافه ختنم

(حافظ، ۱۳۷۰: ۲۳۲)

هم‌درد نافه ختن بودن مثل و برای تأیید مصراع اول به کار رفته است. «شمس قیس رازی در المعجم و کمال‌الدین حسین واعظ کاشفی در بدایع الافکار، تمثیل را یکی از انواع استعاره دانسته‌اند و آن را بیان مطلب مورد نظر شاعر به صورت مثال، تعریف کرده‌اند. به این معنی که شاعر برای بیان مقصود خود، سخنی به کار برده که می‌تواند مثالی برای اثبات معنی و مقصود او باشد و این تعریف با نظر کسانی که تمثیل را استدلال نامیده‌اند، تا حدی نزدیک است.» (خطیبی، ۱۳۹۶: ۲۲) بنا به تعریف آنان، استدلال آن است که از حال یکی برای حال دیگری که با آن شباهت دارد، دلیل بیاورند. استفاده از این نوع تمثیل به عنوان یکی از انواع تصویرهای خیالی در بیان شاعران فارسی زبان بسیار معمول و متداول بوده است و از قرن هفتم به بعد شاعران توجه بیشتری به آن نشان داده‌اند، اما در آثار شاعران قرن دهم تا دوازدهم، یعنی شاعران وابسته به سبک هندی پیش از هر دوره دیگر به تمثیل برمی‌خوریم.

همیشه داغ دل دردمند من تازه است

که شب خموش نگردد چراغ بیماران

(صائب، ۱۳۹۱: ۶۳۰۳)

ز قید چرخ، تو را عشق می‌کند آزاد

که رستم آرد بیرون ز چاه بیژن را

(صائب، ۱۳۹۱: ۶۴۲)

تمثیل را در سبک هندی، اسلوب معادله نام‌گذاری کرده‌اند. تمثیل‌ها، در شعر معاصر، تازگی خاصی دارند. غزل با فرم و لحن نرم و عاطفی خود، به تمثیل رنگ و بویی تازه و مفاهیمی لطیف و پراز و رمز می‌بخشد. فاضل نظری شاعر معاصر ایرانی است که در سبک غزل شعر می‌سراید. نظری ۱۰ شهریور ۱۳۵۸ در خمین به دنیا آمد و بعدها برای ادامه تحصیل به تهران مهاجرت کرد. او دکتری رشته مدیریت از دانشگاه شهید بهشتی دارد، مدرس دانشگاه و مدیرعامل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است. کتاب‌های منتشر شده از فاضل نظری «گریه‌های امپراتور، اقلیت، آن‌ها، ضد و کتاب» است.

۱-۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های ارزنده و علمی فراوان پیش از این، درباره شعر و غزل معاصر انجام شده، و هریک از آن‌ها به زاویه‌ای از شعر و غزل معاصر پرداخته است اما با این وجود هم‌چنان زوایای مختلفی از شعر معاصر نیاز به پژوهش دارد. یکی از این زوایا، بررسی غزل فاضل نظری است. پایان‌نامه کارشناسی ارشد محمد بیدخونی (۱۳۹۳) با عنوان «بررسی درون‌مایه‌ها و سبک غزل فاضل نظری» در دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی؛ مقاله خدابخش اسداللهی و افسانه فرج‌زاده (۱۳۹۶) با عنوان «بررسی فراهنجاری معنایی در اشعار فاضل نظری با تأکید بر تشخیص و استعاره» پیش از این درباره شعر فاضل نظری صورت گرفته است. درباره تمثیل در کتاب‌های بلاغت و صور خیال بسیار به آن پرداخته‌اند. احمد خطیبی (۱۳۹۶) کتاب «درآمدی بر تمثیل در ادبیات فارسی» را نوشته که در آن جنبه‌های مختلف تمثیل را بررسی نموده است. مطالعه آن برای شناخت تمثیل سودمند است. درباره «تمثیل در شعر و غزل نظری» تاکنون کاری صورت نگرفته است و بررسی این موضوع پژوهشی نو و بدیع است.

۱-۲. فرضیات پژوهش

- مهم‌ترین درونمایه‌های غزلیات شاعر، عشق و مرگ‌اندیشی است.
- مختصات سبکی شعر وی تلفیقی از سبک هندی و غزل معاصر است.
- مضامینی که شاعر خلق کرده، نو و بدیع است.
- تمثیلات نظری، بیان‌گر اندیشه مذهبی شاعر است.

۱-۳. اهمیت و هدف پژوهش

اهمیت پرداختن به این پژوهش را می‌توان در نگاه تحلیلی و انتقادی به اندیشه‌ها و درون‌مایه‌های موجود در اشعار فاضل نظری، تبیین عناصر تأثیرگذار در سبک وی، تبیین شیوه‌های نوآوری شاعر، بررسی جایگاه شاعر در بین شاعران معاصر، بررسی و تحلیل درون‌مایه‌های سنتی و امروزی و تأثیر قالب غزل در انتقال پیام شاعر و ... دید.

اهداف این پژوهش عبارتند از:

- مطالعه و بررسی غزلیات فاضل نظری با نگاهی تمثیلی.
- تحلیل درون‌مایه‌های غزلیات شاعر و بررسی اندیشه و نگاه شاعر به موضوعات اعتقادی، اجتماعی، تاریخی و
- بررسی میزان نوآوری شاعر.
- بررسی میزان پای‌بندی به سنت‌ها در شعر.

۴-۱. روش پژوهش

شیوه این مقاله بر اساس تحلیل محتوا و توصیف منطقی و عقلی با استفاده از متون مستند در زمینه نقد ادبی و به صورت کتاب‌خانه‌ای انجام شده است.

۲. بحث و بررسی

غزل یکی از قالب‌هایی بوده است که در طول تاریخ ادب فارسی توانسته است پا به پای ذوق ایرانی حرکت کند و در هر عصری به لباسی نو درآید و تشنگان هنر و زیبایی را سیراب کند. شاید بعد از شکل‌گیری شعر نو و بعدها سپید، عقیده بر این بود که غزل، دیگر نتواند حرفی برای گفتن داشته باشد، اما این قالب با امکاناتی که از شعر نو و سپید به وام گرفت توانست بار دیگر زندگی تازه‌ای را از سر گیرد و در چند دهه اخیر نیز در کنار شعر نو و سپید به حیات خود ادامه دهد و شعرهای قابل قبولی در این قالب سروده شده که بر سر زبان‌ها افتاده است و از محبوبیت فراوانی هم برخوردار شده‌اند. اگر یکی از معیارهای شعر موفق را گستره وسیع مخاطب بدانیم، یکی از غزل‌سرایانی که در این سال‌ها توانسته است در این زمینه موفقیت‌های فراوانی کسب کند، فاضل نظری است.

نظری در مورد غزل‌هایش اشاره می‌کند که سعی کرده‌ام روایت تازه‌ای از غزل کهن فارسی را داشته و تصویر واقعی غزل را به مفهوم واقعی نشان دهم. وی هم‌چنین گفته: «غزل در دوره‌های گذشته فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشته است و آنچه بر ذهن جوان‌ها نقش بسته اغلب توجه به پیکره و فرم غزل بوده که جدا از کل غزل نیست. نظری با به

کارگیری تمثیل تلاش نموده است که غزلیات را از شعبده بازی‌ها و کارهای محیرالعقول که باعث دوری شعر از حقیقت شده، دور نگه دارد» (نظری، ۱۳۹۰: خبرگزاری مهر) بسیاری از شعرهای فاضل نظری هیچ نشانی از زمان و مکانی که شاعر در آن زندگی می‌کند، ندارد. انسان امروز و تجربه‌های زندگی او در اینجا غایب است. گویا شاعر خارج از جغرافیا و تاریخ ایستاده است. این از جهتی خوب است که شعر را از قید زمان و مکان بیرون می‌آورد و استفاده عام و دایمی به آن می‌بخشد، ولی به همین میزان، تأثیرگذاری شعر بر انسان‌های هم‌عصر شاعر هم کاهش می‌یابد. شعر از آن انرژی و ظرفیتی که می‌شد بر اثر هم‌ذات‌پنداری انسان‌ها با شاعر رخ بنماید، محروم می‌شود.

گاهی تمثیل کل غزل نظری را فرامی‌گیرد. تمثیل پریشانی، محور عمودی غزل زیر، به حدی است که به دشواری می‌توان مخاطب شعر را شناخت. شاعر با معشوق سخن می‌گوید؟ یا با خود؟ یا با شخصی سوم، چنان که در غزل «آینه» می‌بینیم.

گرچه چشمان تو جز در پی زیبایی نیست

دل بکن، آینه این قدر تماشایی نیست

حاصل خیره در آینه شدن‌ها آیا

دو برابر شدن غصه تنهایی نیست؟

بی سبب تالاب دریا مکشان قایق را

قایق را بشکن، روح تو دریایی نیست

آه در آینه تنها کدورت خواهد کرد

آه! دیگر دمت ای دوست، مسیحایی نیست

آن که یک عمر به شوق تو در این کوچه نشست

حال وقتی به لب پنجره می‌آیی نیست

خواستم با غم عشقش بنویسم شعری

گفت: هر خواستنی عین توانایی نیست

(گره‌های امپراتور: ۷۵)

با این نگاه، این غزل تماماً بیان زمان و مکان و حال نسلی از جامعه است. آشفتگی این غزل، جریان عادی زندگی است.

عشق در غزل زیر، با تمثیل‌هایی عامیانه و محاوره‌ای بیان شده است:

من و جام می و معشوق، الباقی اضافات است

اگر هستی که بسم‌الله، در تأخیر آفات است

مرا محتاج رحم این و آن کردی، ملالی نیست

تو هم محتاج خواهی شد، جهان دار مکافات است

ز من اقرار با اجبار می‌گیرند، باور کن

شکایت‌های من از عشق ازین دست اعترافات است

میان خضر و موسی چون فراق افتاد، فهمیدم

که گاهی واقعیت با حقیقت در منافات است

اگر در اصل، دین حُب است و حُب در اصل دین، بی‌شک

به جز دلدادگی هر مذهبی، مُشتی خرافات است

(فاضل نظری، در محضر مقام معظم رهبری: ۱۳۹۷)

مرداب زندگی همه را غرق کرده است

ای عشق همتی کن دست مرا بگیر

(ضد: ۴۵)

من و تو در سفر عشق دیر فهمیدیم

قطار منتظر هیچ کس نمی‌ماند

(ضد: ۶۱)

عشق اگر چه عزیزترین میهمان عمر اوست، اما دیر به میهمانی او آمده است.

ای عشق! ای عزیزترین میهمان عمر

دیر آمدی به دیدنم، اما خوش آمدی

(ضد: ۱۱)

در تمثیلی عشق را در مقابل مرگ قرار می‌دهد و می‌گوید: دیر آمدن عشق، باعث می‌شود که شاعر خود را به مرگ نزدیک‌تر ببیند.

ای مرگ می‌رسی به من اما چقدر زود

ای عشق می‌رسم به تو اما چقدر دیر

(ضد: ۴۵)

یکی از تمثیل‌هایی که در قلمرو عشق در دفتر «ضد» مطرح است، تضاد بین عشق و عقل است که برگرفته از همان نگاه سنتی حاکم بر هزار سال غزل فارسی است. تضادی که در طول هزار سال ادب فارسی، جز چند قرن آغازین آن - به برکت وجود خردگرایی معتزله - همیشه منجر به حذف عقل و خرد و تثبیت عشق شده است و ما را روز به روز از خردگرایی و خردورزی دور و دورتر کرده است. نظری نیز در این مجموعه با همان نگاه کلاسیک عشق و عقل را در تضاد با هم می‌بیند و اگر چه می‌داند عقل کامل و فاخر است اما این را هم می‌پذیرد که در جدال با عشق که عنصر غالب فرهنگ ایرانی است، چیزی برای گفتن ندارد و دست و پا زدن‌هایش بیهوده است.

عقل کامل بود، فاخر بود، حرف تازه داشت

دل پریشان بود، دل خون بود، دل فرسوده بود

عقل منطقی داشت حرفش را به کرسی می‌نشاند

دل سراسر دست‌وپا می‌زد ولی بیهوده بود

(ضد: ۳۳)

در این تضاد و تقابل او طرف عشق را می‌گیرد زیرا مصلحت را آن می‌بیند که با این دیوانه کنار آید.

سر مغرور من! با میل دل باید کنار آمد

که عاقل آن کسی باشد که با دیوانه می‌سازد

(ضد: ۸۵)

نظری بر این باور است که آستان عشق از بی‌وفایی مبراست. او می‌داند که بی‌وفایی‌ها مربوط به معشوق است و نباید به عشق نسبت داده شود. در تمثیل‌های غزل خود نشان می‌دهد که عشق بی‌گناه است و نباید مورد لعن و نفرین قرار گیرد و هر چه هست از قامت ناساز بی‌اندام ماست.

در شب تلخ جدایی عشق را نفرین نکن

این قضاوت انتقام از بی‌گناهی دیگر است

(ضد: ۱۰۱)

گاهی تمثیل عاشقی در اندیشه و باور نظری ره به اسطوره می‌برد. سیب قصه دربه‌دری عاشقان جای خالی در تمثیل‌های عاشقی او ندارد. در غزل
با هر بهانه و هوسی عاشقت شده‌ست فرقی نمی‌کند چه کسی عاشقت شده‌ست
عاشقی را در تمثیل‌های ماه، سیب، پرنده، آینه و آه، با واژه‌های امروزی از دیرینگی اسطوره
عشق به آغازی دوباره می‌کشاند.

با هر بهانه و هوسی عاشقت شده‌ست فرقی نمی‌کند چه کسی عاشقت شده‌ست
چیزی ز ماه بودن تو کم نمی‌شود گیرم که برکه‌ای، نفسی عاشقت شده‌ست
ای سیب سرخ غلت‌زنان در مسیر رود یک‌شهر تا به من برسی عاشقت شده‌ست
پر می‌کشی و وای به حال پرنده‌ای کز پشت میله قفسی عاشقت شده‌ست
آینه‌ای و آه که هرگز برای تو فرقی نمی‌کند چه کسی عاشقت شده‌ست
(گریه‌های امپراتور: ۳۳)

«خودشناسی» از موضوعات درون‌مایه‌های تمثیل‌های غزل فاضل نظری است. مسأله خودشناسی است که با عشق، خداشناسی و خودبینی پیوند می‌یابد. نظری خودشناسی را مقدمه عشق می‌داند. او معتقد است که نقطه آغازین معرفت، معرفت به نفس است و برای رسیدن به هر نوع معرفتی باید به خویشتن خویش رجوع کرد.

دل از اعماق دریای صدف‌های تهی بردار

همین جا در کویر خویش مروارید پیدا کن

(ضد: ۹۷)

تعبیرها، مثل‌ها و تکیه‌کلام‌های خاص زبان مردم، در غزل‌های نظری کاربرد فراوان دارد. این کاربرد را ما تمثیلی از «مردم‌گرایی» می‌نامیم، چنان که در این بیت‌ها - تعبیرها در گیومه - دیده می‌شود.

زمین از دلبران خالی است، یا من «چشم و دل سیر»م

که می‌گردم، ولی زلف پریشانی نمی‌بینم

(اقلیت: ۱۳)

که گفته است که من شمع محفل غزلم؟

«به آب و آتش اگر می‌زنم»، به خاطر توست

(گریه‌های امپراتور: ۴۹)

در راه رسیدن به تو، گیرم که بمیرم

اصلاً «به تو افتاد مسیر»م که بمیرم

(گریه‌های امپراتور: ۱۱)

دل‌م، دریا به دریا، از تماشای تو می‌گیرد

«دل‌م دریاست» اما از تماشای تو می‌گیرد

(آن‌ها: ۳۵)

«ما گشته‌ایم، نیست، تو هم جستجو مکن»

آن روزها گذشت، دگر آرزو مکن

(آن‌ها: ۲۵)

کاربرد دیگر تمثیل در غزل نظری، در تشبیهات مرکب است. در تشبیهات مرکب از این نوع، مفهومی مرکب به صحنه‌ای از امور محسوس پیوند داده شده است. در این موارد، خلق

مضامین تازه که یکی از ویژگی‌های آثار نظری محسوب می‌شود نمود پیدا کرده است. این خصیصه که خواننده را به یاد سبک هندی و ظرافت‌های ادبی آن می‌اندازد تنها بازگشت ساده به این سبک و تقلید صرف آن نیست بلکه تصاویر بکر این قلمرو، پرورش خلاقانه و سازنده آن را نشان می‌دهد و بر مهارت شاعر در مضمون‌یابی تأیید می‌کند. موارد زیر نمونه‌هایی قوی و قابل تامل در این زمینه است:

کورسوه‌های چراغ عقل مردم منکرند

روشنایی‌های آن خورشید نامحسوس را

از صدای موج سرشارند و با ساحل دچار

گوش ماهی‌ها چه می‌فهمند اقیانوس را

(گریه‌های امپراتور، ۵۳)

کوزه دربسته در آغوش دریا هم تهی است

در گل خشک تو دیگر فرصت تغییر نیست

(ضد، ۵۳)

در نمونه زیر نیز نزدیکی روحی بین عاشق و معشوق و هم‌چنین فاصله مکانی بین آنها به صورتی لطیف و شاعرانه با بن‌مایه تصویری «انعکاس ماه در آب» ترسیم شده است:

مثل عکس رخ مهتاب که افتاده در آب

در دلم هستی و بین من و تو فاصله‌هاست

(گریه‌های امپراتور، ۹)

تقریباً در همه تمثیل‌هایی از این دست، صحنه‌ای از طبیعت برای تجسم مفهومی عقلانی به صورتی هنری، دست‌مایه شاعر قرار گرفته است. این ویژگی که خصلت رمانتیکی شعر نظری آن را اقتضا می‌کند لطافت دل‌نشینی را در شعر او موجب شده است. نمونه‌های زیر که با تصویرسازی از موج و ساحل، دو عنصر از عناصر تصویرسازی مورد علاقه شاعر، پردازش شده است از این مواردند:

ساحل جواب سرزنش موج را نداد

گاهی فقط سکوت جواب سبک‌سری است

(آنها: ۲۷)

کشش ساحل موج اگر هست، چرا کوشش موج

جذب‌ده دیدن تو می‌کشد از هر طرفم

(آنها: ۵۳)

در زیر نمونه‌های دیگر از تمثیل آمده است:

طوفان اگر فرو بنشیند عجیب نیست

پایان بی‌دلیل دویدن، نشستن است

(آنها: ۴۵)

آسمانی شدن از خاک بُریدن می‌خواست

بی‌سبب نیست که فواره فرو ریختنی است

(گریه‌های امپراتور، ۴۷)

بعد عمری با تو بودن حاصلم زنگار شد

دیر فهمیدم ندارند آب و آهن دوستی

(ضد، ۱۰۵)

۳. نتیجه‌گیری

اشعار فاضل‌نظری در قالب غزل سروده شده است و سعی دارد که روایت تازه‌ای از غزل کهن فارسی داشته باشد و همان تصور و تصویر واقعی غزل را در مفهوم واقعی ارائه دهد. البته توجه شاعر به غزلیات کهن فارسی بدون سنت‌گرایی بیش از حد و تعصب نسبت به شیوه‌های گذشته با انعطاف‌پذیری هنرمندانه‌ای صورت پذیرفته است. در مجموعه شعری «اقلیت» خیال و اندیشه شاعر در خدمت تمثیل‌های عارفانه قرار گرفته است و نگاه او به زندگی و شعر نگاهی عمیق، آزاد و عارفانه است و غزلیات او صورت و سیرتی عارفانه و پارسایانه دارند. در «گریه‌های امپراتور» عشق به عنوان قبایی که تنها برانندهٔ جان امپراتور نظام هستی است، بن

مایه و موضوع تمثیل‌های این شاعر فاضل قرار گرفته است. البته محتوای عاشقانه نتیجه برداشت مخاطب در برخورد با لایه سطحی غزلیات اوست؛ چنانچه از عشق او نیز می‌توان تعریفی عارفانه داشت و عرفان را نیز در عشق او تعریف نمود. این عشق و عرفان دو روی یک سکه است که از یکدیگر جدا و منفک نیستند، بلکه در فرهنگ و ادب جامعه امروز ما این دو مفهوم به نوعی در یکدیگر ادغام شده‌اند. تمایل شاعر به عرفان و تصویرگری‌های عارفانه او به شعرش رقت، احساس و نازک‌بینی هنرمندانه‌ای بخشیده است و نوعی صمیمیت شاعرانه در شعر این شاعر احساس می‌شود. به عنوان نمونه غزلیات «دل تنگ، خلوت، توبه و در اقیانوس»، مضمون و محتوایی عارفانه و غزل‌های «خاطره، به سوی ساحلی دیگر و نگرانی» رنگ و بویی عاشقانه دارند. در اشعار نظری روح دیانت و ایمان به صورتی لطیف جلوه‌گر است چنانچه این شاعر ارزش‌ها و مفاهیم بنیادینی را که از رهگذر انقلاب در عرصه فرهنگ و زندگی اجتماعی تبلور یافته است در قالب و با زبان و بیانی متناسب با ذوق و قریحه شعر و ادب امروزی بیان داشته است.

تمثیل‌های نظری با درون‌مایه‌های عشق، خودشناسی، مرگ‌اندیشی، اجتماع و... در غزل‌های او تجلی کرده است.

۳-۱. پیشنهاد

بررسی تمثیل‌های فاضل نظری با رویکرد مقایسه‌ای و تطبیقی با دیگر شاعران غزل‌سرای معاصر مورد پیشنهاد این پژوهش است.

منابع و مآخذ

۱. اسداللهی، خدابخش و افسانه فرج زاده. (۱۳۹۶). «بررسی فراهنجاری معنایی در اشعار فاضل نظری با تاکید بر استعاره». اولین کنگره علمی بین‌المللی فرهنگ، زبان و ادبیات. شیراز: موسسه عالی علوم و فناوری خوارزمی.
۲. حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۷۰). دیوان. بر اساس نسخه قزوینی - غنی. تصحیح منصور موحذزاده. تهران: انتشارات پژوهش.
۳. خاقانی، افضل‌الدین بدیل. (۱۳۸۸). دیوان. به کوشش سید ضیاء‌الدین سجادی. تهران: انتشارات زوار. چ

نهم.

۴. خطیبی، احمد. (۱۳۹۶). درآمدی بر تمثیل در ادبیات فارسی. تهران: انتشارات زوار.
۵. صائب تبریزی، محمدعلی. (۱۳۹۱). دیوان. به تصحیح محمد قهرمان. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۶. منوچهری، ابوالنجم احمد. (۱۳۳۸). دیوان. به کوشش محمد دبیرسیاقی. تهران: انتشارات زوار. چ دوم.
۷. نظری، فاضل. (۱۳۹۰). «خبرگزاری مهر». به مناسبت چ بیستم سه دفتر. مورخ ۲۳ آذرماه. ساعت: ۴۹:۱۰.
۸. ----- . (۱۳۹۳). ضد. قطع رقعی. تهران: سوره مهر. چ سی و هشتم.
۹. ----- . (۱۳۹۵). کتاب. قطع رقعی. تهران: سوره مهر. چ بیست و ششم.
۱۰. ----- . (۱۳۹۲). آن‌ها. قطع رقعی. تهران: سوره مهر. چ چهل و سوم.
۱۱. ----- . (۱۳۹۳). اقلیت. قطع رقعی. تهران: سوره مهر. چ چهل و ششم.
۱۲. ----- . (۱۳۹۳). گریه‌های امپراتور. قطع رقعی. تهران: سوره مهر. چ چهل و سوم.





Analysis of Allegory in Contemporary Iranian Poetry by Relying on Fazel Nazari

Esmail Abdi Makvand^{1*}, Shaghayegh Mahi zadeh², Zahra Mohseni Mousavi³

1. Sama Technical and professional School, Islamic Azad University Ahwaz Branch, Ahvaz, Iran

Abstract

Allegory, in addition to the way of expression, is one of the methods of literary analysis. Fazel Nazari has worked with the use of the allegory to keep the lyrics away from the magic of the game, which makes the poetry of the truth inaccessible. In the Nazari allegories, the spirit of faith and faith appears to be in a subtle way if this poet has embodied the fundamental values and implications of the revolution in the field of culture and social life in terms of language and expression appropriate to the poem's taste and Modern literature has been expressed. The method of this article is based on content analysis and rational and rational description using literary texts in the field of literary criticism and in the form of a library.

Keywords: Contemporary Ghazal, Allegory, Fazel Nazari.